

روند تشکیل انجمنهای صنفی سراسری فرهنگ، هنر و رسانه

امنیت شغلی، ساماندهی اصحاب فرهنگ و هنر، استقرار نظام صنفی و عبارات آشنایی از این دست، دغدغهای قدیمی نزد بسیاری از قانونگذاران و دولتمردان بوده است. برای مثال در برنامه چهارم توسعه، مصوب سال 1383، دولت مکلف شد تا لایحه امنیت شغلی و نظام صنفی جامع را تدوین نماید و ضوابط برخورداری از بیمه بیکاری برای هنرمندانی که شغل خود را از دست داده‌اند را فراهم سازد (ماده 116 قانون برنامه چهارم توسعه). در برنامه ششم توسعه، مجدداً موضوع امنیت شغلی مورد توجه قرار گرفت و در ماده 92 به تفصیل به آن پرداخته شد (ماده 92 قانون برنامه ششم توسعه) و وزارت ارشاد موظف گردید تا نظام جامع صنفی فرهنگ و هنر را تدوین نماید.

تفاوت‌های بنیادین و ذاتی حرفه هنر با سایر صنوف، باعث عدم امکان تطابق و کارایی سازمان‌ها و نظام‌های مشابه در این حوزه است. یکسان بودن فعالیت‌های زیرمجموعه یک نظام، میزان وابستگی فعالیت شغلی به مجوزها و پروانه‌ها، نقش پررنگ نظارت و وابستگی به دولت از خصوصیات ذاتی این قبیل نظام‌هاست. اما تفاوت‌های غیرقابل اغماض میان رشته‌های مختلف هنری از یک سو و عدم وابستگی به مجوز و یا عضویت در انجمن برای فعالیت حرفه‌ای از سوی دیگر امکان استقرار یک نظام واحد را با پرسش‌های جدی مواجه می‌سازد.

امروزه حق ایجاد تشکل به عنوان یکی از مصادیق حقوق و آزادی‌های عمومی موردپذیرش جوامع مدرن و دموکراتیک بشری قرار گرفته است. در تعاریف کلاسیک، تشکل عبارت از میثاقی است که بر اساس آن افراد متعدد، با داشتن علایق و آرمان‌های مشترک، فعالیت خود را تنظیم و موضع مشترکی را به طور مستمر اتخاذ کنند، بدون آنکه هدف منفعت‌طلبانه اقتصادی داشته باشند. آزادی در تاسیس و پیوستن به تشکل‌ها از جمله حقوق انسانی به شمار می‌رود که در صورت ایجاد بستر و امکان فعالیت وسیع و تاثیرگذار تشکل به شکل‌گیری جامعه توسعه یافته اجتماعی و فرهنگی منجر خواهد شد (محسن فریبرزی، مختصری در باب حق تشکل).

با وجود آنکه سال‌هاست هنرمندان از حق بدیهی برخورداری از تشکل صنفی محروم مانده‌اند، همواره نسبت به لزوم فعالیت جمعی آگاه بوده و با تاسیس انجمن‌ها و خانه‌ها تلاش در حفظ استقلال و احقاق حقوق حرفه‌ای خود داشته‌اند، هرچند مشکلات عدیده در راه ثبت انجمن‌ها باعث گوناگونی در ساختار آنان شده است. برخی مانند انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران و انجمن هنرمندان نقاش ایران در قالب موسسه فرهنگی هنری از ارشاد مجوز فعالیت گرفتند، انجمن عکاسان ایران در وزارت کشور به ثبت رسیده است و انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران زیر نظر وزارت کار به فعالیت می‌پردازد. تشکل‌ها علی‌رغم تفاوت‌های ماهیتی و شکلی، موضوع حقوق صنفی را مهم‌ترین وظیفه خود دانسته و برای احقاق حقوق حرفه‌ای اعضای خود کوشیده‌اند که متأسفانه این تلاش‌ها به دلیل نداشتن جایگاه قانونی مشخص، به نتایج چشمگیر نیانجامیده است.

حقوق صنفی موضوع قوانین کار است و قاطبه انجمن‌های فرهنگی و هنری با وزارت کار و امور اجتماعی ارتباطی ندارند. کار هنری «کار» محسوب نمی‌گردد و غالباً تفنن و فعالیت برای اوقات فراغت تلقی می‌شود و نه حرفه‌ای جهت امرار معاش. شاید از همین روست که از کار هنری و هنرمندان با القاب و تعاریف غیرواقعی و تعارف‌آمیز یاد کرده و در بهترین حالت، اختصاص کمک و تسهیلات را راهکار شناخته و لزوم وجود یک زمینه قانونی برای گسترش حرفه‌ای این صنوف نادیده می‌گیرند. در این شرایط رابطه منطقی و قانونی هنرمندان با قانونگذار به روابط شخصی و ذوقی نمایندگان تنزل پیدا کرده و صنف نمی‌تواند در قانونگذاری‌های مرتبط با سرنوشت خود موثر باشد. قوانینی که در غیاب هنرمندان صادر شده، به دلیل عدم درک شفاف و صحیح قانونگذار از نیازها و مطالبات صنف، اگر تهدید نباشند در بهترین حالت بلا استفاده‌اند (تبصره ح ماده 92 قانون ششم توسعه). امنیت شغلی، بیمه بیکاری، بازنشستگی و از کارافتادگی و ... برای صنوف هنری به شکل غیرحرفه‌ای و ناکارآمد، بازتعریف شده و ارتباطی با اصل این مفاهیم در قوانین مادر ندارد. مفاهیم جدید از طرف قوانین بالادستی حمایت نشده در نتیجه تلاش و رایزنی هنرمندان نهایتاً به دریافت بخشنامه‌ها و دستورات موقت منجر می‌شود.

وزارت ارشاد بنا بر تکلیفی که مجلس براساس ماده 92 قانون برنامه توسعه ششم، جهت تدوین نظام صنفی فرهنگ و هنر به او محول کرده بود، در اوائل سال 97 سلسله جلساتی با حضور نمایندگان انجمن‌ها و تشکل‌های مرتبط شکل داد. گوناگونی تشکل‌ها و ماهیت متفاوت رشته‌های مختلف فرهنگ و هنر و رسانه از موانع جدی رسیدن به یک نتیجه واحد بود. با این وجود صنوف ضمن مطرح ساختن مطالبات و نیازهای حرفه‌ای خود، متفق القول یک نظام یکپارچه و نظارتی را راه حل مشکلات خود ندانستند. جلسات متعددی با نمایندگان وزارت کار و تامین اجتماعی و برنامه و بودجه برگزار گردید و راه‌های گوناگون قانونی برای حل معضلات «پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری و رسانه» مورد بررسی قرار گرفت. تلاش شد تا به جای ورود به چرخه طولانی و نافرجام وضع قانون جدید از قوانین موجود برای رسیدن به خواسته‌های مشترک هنرمندان استفاده شود. چتری که بتواند رشته‌های مختلف این حوزه را پوشش داده و در عین ایجاد اتحاد، به استقلال تشکل حرفه‌ای آنها خللی وارد نسازد.

ظرفیت قانون کار و به رسمیت شناختن «کار هنری» بهترین گزینه مورد توافق جمع بود که هرچند پیش از این، تعبیر و تفاسیر رایج از قانون کار و آیین‌نامه‌ها، مانع برخورداری هنرمندان از این قانون می‌شد، اما با تصویب وزرای کار و ارشاد، در تاریخ سوم شهریور 98 این معضل برطرف شد. اهمیت این تصویب‌نامه تنها در ایجاد شرایط برای فعالیت صنفی نیست، بلکه نمایانگر اتحاد 14 تشکل فرهنگی هنری است که برای اولین بار در تاریخ فعالیت‌های اجتماعی خود و علی‌رغم تفاوت‌های بنیادین به توافق جمعی تشکیل انجمن‌های صنفی سراسری فرهنگ، هنر و رسانه دست یافتند.

هم اکنون و بر اساس مصوبه، وظیفه تشکیل انجمن صنفی سراسری به انجمن‌های موجود سپرده شده است تا با توجه به تصویب‌نامه مذکور، هر صنف هنری، انجمن صنفی سراسری خود را نیز تشکیل بدهد. برای جلوگیری از بی‌نظمی و همچنین احترام به رای و نظر اکثریت، مقرر گردید هیات مدیره کنونی انجمن‌های هنرهای تجسمی به عنوان هیات موسس، درخواست تشکیل انجمن صنفی رشته خود را به وزارت کار اعلام نموده و مقدمات تشکیل **اولین مجمع عمومی و اولین انتخابات هیات مدیره انجمن صنفی** را فراهم سازند. در همین راستا انجمن صنفی هنرمندان مجسمه ساز ایران آماده پذیرش عضو است.

بدیهی است تشکیل انجمن‌های صنفی سراسری و یا به رسمیت شناخته شدن کار هنری، حلال تمامی مشکلات نخواهد بود. بلکه سرآغازی بر فعالیت و مطالبه‌گری صنفی است. گام بعدی تشکیل کانون‌های برآمده از انجمن‌های مستقل صنفی سراسری است. کانون سینما، کانون تئاتر، کانون موسیقی، کانون روزنامه و خبرنگاران، کانون نویسندگان، مترجمان و ویراستاران و کانون تجسمی که متشکل از انجمن‌های صنفی سراسری هنرهای تجسمی خواهد بود. اجتماع این کانون‌ها، کانون فراگیر فرهنگ، هنر و رسانه به عنوان عالی‌ترین نهاد مرتبط و مرجع در این حوزه را شکل می‌دهد. کانون فراگیر با سازوکاری دموکراتیک، مستقل و کارآمد، قادر خواهد بود با قانونگذاران و مجریان رابطه‌ای مستقیم و موثر برقرار نموده و از حقوق جامعه خود دفاع نماید. در عین حال استفاده از ظرفیت قوانین کار و پیوستن به جوامع بین‌المللی نظیر سازمان جهانی کار یا ILO امکان گسترش فعالیت‌های صنف هنر را در سطحی بالاتر فراهم می‌سازد.

برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید: به نشریه تندیس، شماره 396-397 حق تشکل، نگار نادری‌پور.